

سنديکا، سازمان بي بدیل کارگران

- مخالفين حق آزادی تشکل و سنديکاها، با قراردادان شوراهاى اسلامى کار در مقابل اتحاديه هاى واقعى در تلاشند تا امتيازات به دست آورده طى دوره فترت بيش از دو دهه جنبش سنديکايى را به هر قيمت حفظ کنند
 - کارگران به درستی دریافته اند که تنها چاره، ره يابى به سوى ايجاد سنديکاهاى مستقل جهت نیل به مطالبات قانونى و انسانی شان و همه حقوق پذیرفته شده بشرى است و این میسر نمی شود مگر با اتحاد و همبستگی و رشد و ارتقای دانش مبارزاتى سنديکايى
- حسین اکبری

روزنامه شرق

دوشنبه ۱۹ آبان ۱۳۸۲ - ۱۰ نوامبر ۲۰۰۳

در تاریخ جنبش هاى اجتماعى، دوران هاى خلق مى شود که ضعف و سستی و فترت را نصیب این جنبش ها مى کند.

عمده دلایل فترت جنبش هاى اجتماعى ناشى از عواملی نظیر سرکوب، جنگ، فریب و ناهنجاری ها و تحمیل بی ارادگی و محرومیت به این جنبش ها است که آنان را از به کارگیری پتانسیل هاى بالقوه موجودشان، محروم مى سازد. دوران فترت با توجه به ايجاد شرایط متحول در عرصه ملی و جهاني، به هر حال ناپایدار است.

در مورد جنبش کارگری - سنديکايى ایران نیز با توجه به رویکرد روز افزون جنبش طبقه کارگر به سوى سنديکالیسم، نشان از پایان یافتن این دوره فترت دارد.

برخی نشانه هاى به سر رسیدن دوره فترت جنبش کارگری - سنديکايى را مى توان عزم و اراده و تلاش نمایندگان دولتی در پاسخگویی به مطالبات روز افزون کارگران پیرامون حق آزادی تشکل یافت.

این موضوع در سخنرانی معاونت روابط کار وزارت کار در همایش مسئولین امور تشکل هاى کارگری - کارفرمایی که سی ام مهرماه امسال برگزار شد به روشنی قابل درک است.

آقای خواجه نوری در این رابطه اذعان داشت که در همایش هاى مختلف کارگری و ارائه طومارها و درخواست هاى کتبی به وزارت کار، خواست کارگران در زمینه تشکل سنديکايى و الحاق به مقاله نامه هاى 87 و 97 سازمان جهاني کار تجلی یافته است.

وی متذکر شد که کارگران کشور از طریق سازمان جهاني کار نیز درخواست هاى خود را پیگیری کرده اند و سازمان بین المللی کار نیز در مورد اهمال در عزم و اراده دولت جمهوری اسلامى در الحاق به مقاله نامه هاى مذکور اشکال مى گیرد.

گرچه آقای خواجه نوری به درستی اشاره داشت که تغییر وضعیت موجود به وضعیت مطلوب، نگرانی هاى را به وجود آورده است که شاهد آثارش در چند ماه گذشته بوده ایم اما این موضوع سبب شده که وی و معاونت اداره کل سازمان هاى کارگری و کارفرمایی به درک به غایت غلط مخالفين الحاق به مقاله نامه ها تمکین کرده و استدلال بسیار نادرست آنها را مبنی بر پذیرش و الحاق با تکیه به سه جانبه گرایی بپذیرند.

بی شک مقاله نامه هاى بین المللی خودمحمصول سه جانبه گرایی است. سازمان هاى جهاني سنديکايى - کارگری و سازمان هاى کارفرمایی و نمایندگان دولت هاى عضو، امضا کنندگان این مقاله نامه ها بوده اند و این نادرست است که گروهی که خود از جانب همان سازمان جهاني سنديکايى فاقد اعتبار لازم به عنوان تشکل مستقل کارگری هستند خواهان بحث ها و تصمیم گیری هاى سه جانبه در محدوده ملی برای الحاق به مصوبات شوند.

مخالفين حق آزادی تشکل و سنديکاها، با قراردادان شوراهاى اسلامى کار در مقابل اتحاديه هاى واقعى در تلاشند تا امتيازات به دست آورده طى دوره فترت بيش از دو دهه جنبش سنديکايى را به هر قيمت حفظ کنند. این جریان ها چه موفق شوند (که البته بسیار بعيد است) و چه ناموفق، حاصل کارشان ضربه دیگری بر پیکر کارگران کشور است.

توصیه سندیکالیست ها به این نیروها این است که در مبارزه برای حفظ موقعیت ها و مقابله با رقبا سیاسی خویش کارگران را وجه معامله و وجه المصلحه قرار ندهند اگر چنین کنند دیگر هیچ جایی برای اثبات ادعای «برادری» خود نزد کارگران نخواهند داشت، گو این که از ابتدا هم برادران ناتنی بوده اند.

صرف بیش از دو دهه دور نگه داشتن کارگران از دانش سندیکایی و زمینگیر ساختن جنبش مطالباتی کارگران، خود لکه ای بردامن کسانی است که متولیان اصلی این امر بوده اند چرا که خود ایشان با صراحت اعتراف کرده اند (که البته جزو افتخارات خود می دانند) که تبصره 4 ماده 131 قانون کار به همت و تلاش آنها در بطن قانون کار جای گرفته است. خبر دیگر این مدعیان رهبری طبقه کارگر تغییر تبصره يك ماده 6 قانون کار سابق به ماده 191 قانون کار کنونی است که به موجب آن کارگران کارگاه های دارنده کمتر از 10 کارگر از شمول قانون کار خارج شدند.

کارگران به درستی دریافته اند که تنها چاره، ره یابی به سوی ایجاد سندیکاهای مستقل جهت نیل به مطالبات قانونی و انسانی شان و همه حقوق پذیرفته شده بشری است و این میسر نمی شود مگر با اتحاد و همبستگی و رشد و ارتقای دانش مبارزاتی سندیکایی. دانش سندیکایی در اولین گام های ایجاد اتحادیه مستقل کارگری به نکاتی اشاره دارد که جوهره اصلی آن برابر حقوقی همه کارگران، جدای از داشتن اندیشه های متفاوت آنهاست. سندیکا، جایگاه و پایگاه همه کارگران اعم از زنان و مردان است.

از هر دین، نژاد، رنگ، ملیت و زبان که باشند، هیچکدام امتیازی جهت عضویت در سندیکا ایجاد نمی کند. سندیکا برای اعضا خود متناسب با آنچه که آنها در مجامع عمومی به عنوان اساسنامه تصویب نموده اند حقوق، اختیارات و وظایفی را تکلیف می کند.

سندیکا فارغ از تبعیت از دولت ها و احزاب و دسته جات سیاسی و بلوک های قدرت عمل می کند. سندیکا نهادی است صنفی و دموکراتیک. هیچکس حق ندارد کارگری را از عضویت در آن منع و یا به عضویت در آن مجبور سازد. نهادها و ارکان سندیکا با آرای مستقیم کارگران عضو در مجمع عمومی شکل می گیرد و ارکان سندیکا موظف به پاسخگویی در قبال اعضا هستند.

هرچند مطابق مصوبات نهادهای بین المللی همچون سازمان جهانی کار، دولت ها موظف به دادن اعتبار مالی به اتحادیه های کارگری می باشند اما سندیکا با تکیه بر دریافت حق عضویت و ورودیه اعضا هزینه های جاری را پوشش می دهند و از این طریق به حفظ استقلال خود یاری می رسانند.

(به نقل از سایت حزب کمونیست ایران)